



تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان

فاطمه همایون^۱، نازنین لشکریان^۲

۱-دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

۲-دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

چکیده

این تحقیق به بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول منطقه ۲ شیراز پرداخت. این تحقیق به روش نیمه‌تجربی انجام شد. بدین منظور تعداد ۱۶۰ نفر از دانش‌آموزان این منطقه به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش تقسیم شدند (هر گروه ۸۰ نفر). پس از ارزیابی اولیه هر دو گروه، یک دوره مهارت‌های برقراری ارتباط برای گروه آزمایش برگزار شد. ابزارهای اندازه‌گیری یک پرسشنامه محقق ساخته بود در ۵ مؤلفه خوب گوش دادن، صریح و صادق بودن، همدردی و همدلی با طرف مقابل، احترام به طرف مقابل و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب بود و ۲۰ سؤال داشت که روایی و پایایی آن تایید شد و یک فرم ارزیابی معلم از دانش‌آموز که همان مؤلفه‌های پرسشنامه را در ۵ سوال ارزیابی می‌کرد. نتایج آزمون‌های تی مستقل و همبسته نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی بر مؤلفه صریح و صادق بودن تاثیر معناداری نداشته است اما بر چهار مؤلفه خوب گوش دادن، همدلی و همدردی در روابط، احترام در روابط و بروز مخالفت به شیوه مناسب و همچنین بر کل رفتارهای اجتماعی مورد نظر در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول منطقه ۲ شیراز تاثیر معنادار داشته است. این یافته‌ها بر اساس محتوای دوره آموزشی ارائه شده و همچنین محتوای مؤلفه‌های مورد بررسی تبیین شدند و با سایر تحقیقات مطابقت و مقایسه شدند. لذا آموزش مهارت‌های ارتباطی به عنوان ابزاری مفید در جهت ارتقاء رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس است.

کلمات کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی، رفتارهای اجتماعی، احترام به مخاطب و مدارس



مقدمه

یکی از دوره‌های حیاتی زندگی که فرد تحت شرایط و عوامل مختلف بسیار تاثیرپذیر است نوجوانی است. روند شکل‌گیری فرد و رفتار وی در این دوره می‌تواند دورنمای رفتارها و شخصیت آینده فرد را ترسیم کند. در نوجوانی فرد بطور عموم کمترین کنترل را بر رفتار خود دارد. از آنجا که نوجوانان امروز و پدران و مادران فردا نقش مهمی در چرخه‌ی زندگی جامعه حتی از نظر شغلی خواهند داشت، لازم است تا نقش و تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی در ارتباط با سلامت عمومی آنها مورد بررسی قرار گیرد (گیرلی^۱، ۲۰۱۳). همچنین تحقیقات نشان می‌دهند برخی نوجوانان به علت مشکلات رفتاری و ناسازگاری اجتماعی نیاز به خدمات بهداشتی روانی دارند. منظور از مشکلات رفتاری در اینجا عبارت است از مشکلاتی که نوجوانان معمولاً در مواجهه با مؤلفه‌های همسالان، والدین، و وظایف تحصیلی، مسائل اجتماعی و شخصی با آن روبرو می‌شوند. بنابراین مشکلات رفتاری یا سازگاری اختلالات رفتاری نیستند، بلکه آن‌ها مشکلاتی هستند که نوجوان در مواجهه با آن نیازمند حمایت و راهنمایی است (بلاو و همکاران^۲، ۲۰۱۴). با توجه به مطالب ذکر شده دیده می‌شود که نیازست نوجوانان به طور ویژه‌ای مدنظر قرار گیرند. یکی از حیطه‌هایی که به دلیل دسترسی گسترده به نوجوانان و همچنین شرایط آموزشی می‌تواند در ارتباط با نوجوانان اقدامات مختلف را انجام دهد آموزش و پرورش است. امروزه، تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می‌کنند (تورنر^۳، ۲۰۱۵). جایگاه آموزش و پرورش در تمامی جوامع، به ویژه جوامع مترقی و پیشرفته، یکی از برترین ارکان سازمانی است. تمدن و تقدس هر جامعه‌ای مدیون آموزش و پرورش آن جامعه است. بدون داشتن یک نظام آموزشی و تربیتی صحیح، انتظار هیچ‌گونه پیشرفت و تمدنی را نمی‌توان از جامعه داشت. با بررسی و تحقیق در اوضاع و احوال ملت‌ها و شناخت عوامل پیدایش حیات و مرگ تمدن‌ها درمی‌یابیم که آن قوم و ملتی در مبارزه با جهل و نادانی به پیروزی رسیده و در پی‌ریزی و پیشبرد تمدن بشری نقش مؤثری داشته است که بیشترین تلاش و کوشش را صرف بهبود نظام تعلیم و تربیت آحاد جامعه خویش کرده است (وینتر^۴، ۲۰۱۳). هر کشوری که قصد دارد به پیشرفت و تکامل و ترقی در زمینه‌های فرهنگی، صنعتی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و ... دست یابد، باید از یکسری اصول و قوانین علمی و عملی بهره جوید. در این راستا بدون بهره‌گیری و به‌کارگیری شایسته و مترقی آموزش و پرورش، پیشرفتی در تحصیل دانش آموزان و در نتیجه پیشرفت جامعه حاصل نخواهد شد (داستمن و همکاران^۵، ۲۰۱۲).

بر اساس مطالب ذکر شده، مشاهده می‌شود که جوامع امروزی از یک طرف با پدیده نیاز شدیدتر به اجتماعی شدن روبرو هستند و با وجود جوامع صنعتی امروز و استرس‌های موجود در اینگونه جوامع، این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. از طرف

^۱ Girli, A.

^۲ Blaauw, B. A., Dyb, G., Hagen, K., Holmen, T. L., Linde, M., Wentzel-Larsen, T., & Zwart, J. A.

^۳ Turner, R.

^۴ Winter, S. D.

^۵ Dustmann, C., Frattini, T., & Lanzara, G.



دیگر؛ می‌توان با آموزش مهارت‌های ارتباطی، فرایند اجتماعی شدن و گسترش رفتارهای اجتماعی را تسهیل کرد. همچنین برای آموزش، آن هم در دوره نوجوانی، آموزش و پرورش یکی از مفیدترین نهادها است. از این رو برخی تحقیقات به سمت این موضوع رفته‌اند. به عنوان مثال (سیمیاران و همکاران، ۱۳۹۵) در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی دانش‌آموزان دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی در گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری مؤثر بوده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌تواند در کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی مؤثر باشد. فریس آبادی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بین فردی و حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مشاهده کردند که آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب کاهش رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان و افزایش سازگاری اجتماعی آن‌ها در تمامی خرده آزمون‌های سازگاری اجتماعی و نیز بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها شده بود.

با توجه به تحقیقات ذکر شده می‌توان پذیرفت که رفتارهای اجتماعی در حیطه دانش‌آموزان قابل آموزش و ارتقاء است. بنابراین بجاست که دانش‌آموزان را به بهترین شکل با رفتارهای اجتماعی مناسب تجهیز کرد. یکی از این موارد کمک‌کننده به دانش‌آموزان آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط است. همچنانکه بیگدلی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش‌آموزان بیان داشتند مهارت ارتباطی ضعیف در والدین منجر به پرخاشگری، کاهش راهبردهای استدلال و کاهش تعارض در فرزندان با والدین شود.

حال که مهارت‌های برقراری ارتباط می‌تواند بر رفتارهای اجتماعی تأثیرگذار باشند و شرایط مختلف اجتماعی، جنسیتی و سنی می‌توانند سبب نتایج مختلف شوند (آکردولو و همکاران^۱، ۲۰۱۴)، بجاست که آموزش اینگونه مهارت‌ها را در ارتباط با رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد. این موضوع از آن جهت نیازمند بررسی است که در مدارس دیده می‌شود دانش‌آموزان در برقراری ارتباط با دوستان خود یا معلمان دارای ضعف بود و موارد بسیاری از بروز اختلافات‌شان ناشی از عدم توانایی در برقراری ارتباط است. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد این موضوع چندان مورد بررسی علمی قرار نگرفته است اکنون این سؤال مطرح است آموزش مهارت‌های ارتباطی چه تاثیری بر رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره اول متوسطه دارد؟ این تحقیق برای پاسخ به این سؤال انجام می‌شود.

تحقیقات مشابه نتایج مختلفی را نشان می‌دهد. در حیطه مهارت‌های ارتباطی سیمیاران و همکاران (۱۳۹۵) با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی دانش‌آموزان به انجام تحقیق پرداختند. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات اضطراب اجتماعی و روابط بین فردی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. بدین معنی که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی در

^۱ Akeredolu-Ale, B., Sotiloye, B., Bodunde, H., & Aduradola, R.



گروه آزمایش به طور معنی داری مؤثر بوده است. این یافته ها بیانگر آن است که برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی می تواند در کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی موثر باشد. بیگدلی و همکاران (۱۳۹۵) هم پژوهشی با هدف تعیین اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش آموزان سال سوم راهنمایی انجام دادند و دریافتند مهارت ارتباطی ضعیف در والدین منجر به پرخاشگری (کلامی و جسمانی)، کاهش راهبردهای استدلال و به طور کلی تعارض در فرزندان با والدین شود. فریس آبادی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بین فردی و حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب کاهش رفتارهای نامناسب دانش آموزان دختر با کم توانی ذهنی و افزایش سازگاری اجتماعی آن‌ها در تمامی خرده آزمون‌های سازگاری اجتماعی و نیز بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها شده بود.

عجم (۱۳۹۴) نیز در بررسی نقش خودکارآمدی تحصیلی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی انجام داد و گزارش کرد مهارت‌های ارتباطی بین فردی و خودکارآمدی دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی نقش دارد. دهقان و همکاران (۱۳۹۳) هم در تحقیقی گزارش کردند آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب ارتقاء سطوح نظریه ذهن کودکان شد و از آنجا که فعالیت‌های آموزش داده شده براساس روش درمانی عقلانی - هیجانی - عاطفی آلبرت آلیس بود و بین شناخت اجتماعی و هیجان ارتباط نزدیک وجود دارد تأثیرات قابل مشاهده بر ارتقاء سطوح نظریه ذهن کودکان گروه آزمایش تبیین شد. احمدی، حاتمی و اسدزاده (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب بهبود روابط و سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی آنان می‌گردد. همچنین مستقیمی و شفیع (۱۳۹۱) در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر عزت نفس دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی روش موثری در افزایش عزت نفس دختران ۱۳ تا ۱۵ ساله ساکن مراکز شبانه روزی بهزیستی است.

مرکر مپستون و ماتیزوز^۱ (۲۰۱۷) برای درک اینکه چگونه دانشجویان به توسعه دانش درک شده از مهارت‌های ارتباطی در سراسر برنامه تحصیلی می‌پردازند یک مطالعه با استفاده از پرسشنامه مهارت‌های دانشجویان انجام دادند. نتایج نشان داد در حالی که اکثر دانشجویان هر دو مهارت ارتباطی (ارتباط علمی مکتوب و شفاهی) را مهم و مورد استفاده در آینده می‌دانستند. با وجود اهمیت کمتر ارتباط مکتوب در دوره تحصیلی، اهمیت آن برای آینده بیشتر بود. لذا هر دو روش ارتباط مکتوب و شفاهی برای اجتماع و دانشجویان تأثیرگذار و موثر شناخته شد.

لوییز آدرین و زسوتارسکی^۲ (۲۰۱۵) نیز گزارش کردند مهارت‌های ارتباطی از طریق بازی کردن نقش در هر دو حالت کلامی (شفاهی) و نوشتاری (کتبی) ارتقاء یافته است. همچنین دیده شد که بهبود مهارت‌های ارتباطی شفاهی و کتبی می‌تواند به بهبود کار تیمی حرفه‌ای بین داروسازان و سایر ارائه دهندگان خدمات درمانی کمک کند. بنابراین برگزاری چنین

^۱ Mercer-Mapstone, L. D., & Matthews, K. E

^۲ Luiz Adrian, J. A., Zeszotarski, P., & Ma, C.



دوره‌هایی پیشنهاد شد. روزکان^۱ (۲۰۱۳) هم یک مطالعه کمی با هدف بررسی روابط بین مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مشکل بین فردی و خودکارآمدی اجتماعی انجام داد و گزارش کرد که مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مشکل بین فردی به طور قابل توجهی با خودکارآمدی اجتماعی ارتباط دارند. نتایج پژوهش مورای و مالمگرین^۲ (۲۰۱۰) نیز نشان داد که برنامه طراحی شده ارتباطی در بهبود روابط نوجوانان با معلمان‌شان موفق بوده و توانسته روابط مدنظر را بهتر کند. در پژوهشی گرکو و موریس^۳ (۲۰۰۹) هم به مطالعه تأثیر مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و روابط دوستی نزدیک در دوران نوجوانی پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین سازگاری اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی رابطه وجود دارد. مطالعات ذکر شده نشان می‌دهد که می‌توان به تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رفتار اجتماعی دانش‌آموزان امیدوار بود که در این تحقیق به آن پرداخته شد.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر هدف کاربردی بوده، از نظر نوع کمی و از تحقیقات شبه آزمایشی است که از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و گروه گواه انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان مدارس متوسطه پسرانه دولتی دوره اول منطقه ۲ شیراز در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بود که تعداد آنها ۱۱۰۰۰ نفر بود. از آنجا که کار به صورت آزمایشی انجام شد و امکان آموزش تعداد افراد زیاد وجود نداشت، لذا از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چهار مدرسه از بین مدارس آموزش و پرورش منطقه ۲ به صورت تصادفی انتخاب شد. در طرح‌های شبه آزمایشی (همانند طرح حاضر) معمولاً با توجه به هزینه کار و امکان اجرا بین ۲۰ تا ۱۰۰ نفر در گروه آزمایش قرار می‌دهند (هومن، ۱۳۸۸). لذا با توجه به انتخاب ۴ مدرسه و هر مدرسه ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل، نمونه آماری شامل ۱۶۰ نفر بود که در مجموع ۸۰ نفر گروه تجربی و ۸۰ نفر گروه کنترل بود. از این تعداد ۵۵ نفر دانش‌آموز کلاس هفتم (۳۰ نفر گروه آزمایش و ۲۵ نفر گروه کنترل)، ۴۳ نفر دانش‌آموز کلاس هشتم (۱۸ نفر گروه آزمایش و ۲۵ نفر گروه کنترل) و ۶۲ نفر دانش‌آموز کلاس نهم (۳۲ نفر گروه آزمایش و ۳۰ نفر گروه کنترل) بودند. در حقیقت برای نمونه‌گیری در این طرح پس از اخذ مجوزهای لازم از میان مدارس متوسطه منطقه ۲ شیراز، ۴ مدرسه بر حسب موقعیت جغرافیایی در بخش‌های مختلف منطقه انتخاب شد و در هر مدرسه ۴۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. این افراد به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. با استفاده از پرسشنامه رفتارهای اجتماعی شرکت‌کنندگان دو گروه به صورت پیش‌آزمون ارزیابی شدند. سپس به کمک روانشناس متخصص آموزش مهارت‌های ارتباطی برای گروه تجربی ارائه شد.

دوره آموزش ارائه شده در تحقیق و روند آن: در این دوره بر اساس مفاهیم نهفته در برنامه مهارت‌های ارتباطی کوئین دام و همکاران (۲۰۰۴) مشتمل بر پنج مهارت فرعی یا خرده مهارت‌های «درک پیام‌های کلامی و غیر کلامی»، «نظم دهی به

^۱ Erozkhan, A.

^۲ Murray and Malmegren

^۳ گرکو و موریس



هیجان‌ها»، «گوش دادن»، «بینش نسبت به فرایند ارتباط» و «قاطعیت در ارتباط» بود که اساس مهارت‌های ارتباطی را تشکیل می‌دهند. آموزش هر کدام از این خرده مهارت‌ها در دو جلسه انجام می‌شد. در یکی از جلسات بیشتر آموزش بود و در جلسه دوم تمرین عملی مهارت بود. بر این اساس کل دوره آموزش شامل ۱۰ جلسه شد. از آنجا که هر مهارت در یک هفته آموزش و تمرین داده می‌شد مجموع دوره آموزشی ۵ هفته به طول انجامید. از طرفی برای برقراری شرایط زمانی یکسان و عدم تفاوت در عوامل فیزیکی و جسمی و روانی دانش‌آموزان آموزش‌ها در زمان‌های یکسان (۱۰ تا ۱۰ و ۴۵ دقیقه روزهای یک‌شنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها) اجرا شد. پس از آموزش به گروه تجربی مجدداً آزمون به کمک پرسشنامه و نمره‌دهی معلمان انجام شد. پیش آزمون یک هفته قبل از این آموزش‌ها و پس آزمون یک هفته پس از این آموزش‌ها بود. مراحل اجرای آزمون پرسشنامه هم در دو گروه کنترل و آزمایش یکسان بود (ساعت ۱۰ روزهای سه‌شنبه یک هفته قبل و یک هفته بعد از آموزش).

نتایج حاصل از اجرای آموزش مهارت‌های ارتباطی از طریق پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری شد. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال در ۵ مولفه خوب گوش دادن (سوالات ۱ تا ۴)، صریح و صادق بودن (سوالات ۵ تا ۸)، همدردی و همدلی با طرف مقابل (سوالات ۹ تا ۱۲)، احترام به طرف مقابل (سوالات ۱۳ تا ۱۶) و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب (سوالات ۱۷ تا ۲۰) بود. در این پرسشنامه طیف ۵ تایی لیکرت استفاده شد و نمره ۱ به گزینه کاملاً مخالفم و نمره ۵ به گزینه کاملاً موافقم تعلق می‌گرفت. روایی این پرسشنامه از نظر محتوا با نظر محققین (۶ نفر) پس از برخی تعدیلات تایید شد. پس از تایید روایی برای تایید پایایی آن، ۳۰ پرسشنامه آزمایشی توزیع و گردآوری شد و به کمک آلفای کرونباخ پایایی آن در مولفه‌های مختلف و در حالت کلی اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد آلفای مولفه خوب گوش دادن (۰/۷۸۴)، صریح و صادق بودن (۰/۸۱۱)، همدردی و همدلی با طرف مقابل (۰/۷۴۱)، احترام به طرف مقابل (۰/۷۰۲) و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب (۰/۸۲۷) بود. همچنین آلفای کلی پرسشنامه ۰/۷۴۲ بود. از آنجا که آلفای تمامی مولفه‌ها و همچنین آلفای کلی پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ بود پایایی آن نیز تایید شد. طبق نظر هومن (۱۳۸۱) چنانچه آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ باشد بدان معناست که همبستگی درونی و در نتیجه آزمون مورد اطمینان بوده و قابلیت استفاده مکرر از آن وجود دارد.

همچنین در این طرح از نمرات معلمان هم برای اندازه‌گیری استفاده شد. به بیان دیگر معلمانی که با دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و کنترل سر و کار داشتند در یک جلسه گرد آورده شدند و ۵ مولفه خوب گوش دادن، صریح و صادق بودن، همدردی و همدلی با طرف مقابل، احترام به طرف مقابل و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب برای آنها تشریح شدند. سپس یک لیست به آنها داده شد که در آن می‌توانستند در هر یک از ۵ مولفه مدنظر طبق طیف لیکرت نمرات ۱ تا ۵ را به دانش‌آموزان بدهند. این نمره‌دهی همانند پرسشنامه در دو مرحله پیش و پس آزمون انجام شد. معلمان از اینکه دانش‌آموزان در کدام گروه بودند اطلاع نداشتند و حتی برای برخی افراد خارج از دو گروه هم این نمره‌دهی را انجام دادند. نمرات معلمان



مختلف برای هر فرد میانگین گیری شد و سپس با میانگین نمره فرد در پرسشنامه، جمع و میانگین گیری مجدد انجام شد تا نمره فرد در هر مولفه به دست آید. این کار هم در پیش آزمون و هم در پس آزمون انجام شد. داده‌های این پژوهش پس از ورود به رایانه با نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توصیف داده‌ها، متغیرهای تحقیق بر حسب شاخص‌های مرکزی و پراکندگی توصیف شدند. برای آزمون نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. در این طرح، قبل از این که آزمودنی‌ها در شرایط آزمایشی قرار گیرند، یک آزمون (پرسشنامه و نمره‌دهی معلمان) بر روی آن‌ها اجرا شد و سپس بعد از قرار گرفتن آنها در معرض آموزش، همان آزمون مجدداً بر روی آنها اجرا شد. نتایج قبل و پس از آموزش مقایسه شدند. با مقایسه نتایج گروه کنترل در پیش و پس آزمون نسبت خودش این امکان فراهم شد که تغییرات احتمالی ناشی از هر چیزی غیر از آموزش اندازه‌گیری و کنترل شود. در سویی دیگر با مقایسه نتایج گروه آزمایش در پیش و پس آزمون نسبت به خودش امکان بررسی اثر آموزش فراهم شد. برای مقایسه گروه با خودش در پیش و پس آزمون از تی همبسته استفاده شد و برای مقایسه‌هایی که میان دو گروه انجام شد از تی مستقل استفاده شد. این روند در فصل چهارم به صورت عملیاتی و مفصل بیان شده است.

یافته‌های پژوهش

میانگین سنی شرکت کنندگان تحقیق حاضر $14/18 \pm 1/14$ بود. در ارتباط با میزان تحصیلات شرکت کنندگان، همانطور که در نمودار ۱-۴ مشاهده می‌شود کمترین میزان تحصیلات شرکت کنندگان مربوط دانش‌آموزان کلاس هشتم ($26/88$ درصد) بود، پس از آن کلاس هفتم با $34/38$ درصد در نهایت بیشترین مقدار مربوط دانش‌آموزان کلاس نهم ($38/75$ درصد) بود.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مربوط به این متغیر را در دو گروه کنترل و آزمایش را در پیش آزمون و جدول ۲ همین اطلاعات توصیفی را در پس آزمون ارائه کرده است. مقادیر جدول ۱ نشان می‌دهند که در مرحله پیش آزمون

کمترین میانگین نمرات مربوط به مولفه خوب گوش دادن در گروه آزمایش ($m=2/730$) و بیشترین میانگین نمرات مربوط

به مولفه مخالفت مناسب با مخاطب در گروه کنترل ($m=3/220$) است. همچنین مقادیر جدول ۲ نشان می‌دهند که در مرحله

پس آزمون کمترین میانگین نمرات مربوط به مولفه خوب گوش دادن در گروه کنترل ($m=2/935$) و بیشترین میانگین

نمرات باز هم مربوط به مولفه خوب گوش دادن اما در گروه آزمایش ($m=3/543$) است.

جدول ۱: آمار توصیفی شرکت کنندگان در پیش آزمون بر حسب شاخص‌های مرکزی و پراکندگی



مولفه‌ها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
خوب گوش دادن	آزمایش	۸۰	۲/۷۳۰	۰/۵۴۵
	کنترل	۸۰	۲/۸۰۹	۰/۶۴۷
صریح و صادق بودن	آزمایش	۸۰	۳/۰۱۴	۰/۲۱۶
	کنترل	۸۰	۲/۹۵۹	۰/۲۰۶
همدردی و همدلی	آزمایش	۸۰	۳/۱۱۷	۰/۵۸۲
	کنترل	۸۰	۳/۱۲۰	۰/۵۴۷
احترام در رابطه	آزمایش	۸۰	۳/۰۸۷	۰/۵۱۵
	کنترل	۸۰	۳/۱۴۰	۰/۵۵۲
مخالفت مناسب	آزمایش	۸۰	۳/۱۶۲	۰/۴۲۴
	کنترل	۸۰	۳/۲۲۰	۰/۴۵۵
مجموع (رفتارهای)	آزمایش	۸۰	۳/۰۲۲	۰/۲۴۵
اجتماعی)	کنترل	۸۰	۳/۰۴۹	۰/۲۲۶

جدول ۲: آمار توصیفی شرکت کنندگان در پس آزمون بر حسب شاخص‌های مرکزی و پراکندگی

مولفه‌ها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
خوب گوش دادن	آزمایش	۸۰	۳/۵۴۳	۰/۶۱۹
	کنترل	۸۰	۲/۹۳۵	۰/۴۴۱
صریح و صادق بودن	آزمایش	۸۰	۲/۹۴۳	۰/۵۱۹
	کنترل	۸۰	۲/۹۷۱	۰/۲۰۲
همدردی و همدلی	آزمایش	۸۰	۳/۳۰۴	۰/۴۸۵
	کنترل	۸۰	۳/۱۴۶	۰/۴۶۴
احترام در رابطه	آزمایش	۸۰	۳/۲۹۵	۰/۵۴۰
	کنترل	۸۰	۳/۱۳۶	۰/۵۰۵
مخالفت مناسب	آزمایش	۸۰	۳/۴۱۷	۰/۵۱۸
	کنترل	۸۰	۳/۲۱۷	۰/۴۸۴
مجموع (رفتارهای)	آزمایش	۸۰	۳/۳۰۰	۰/۲۰۷



اجتماعی) کنترل ۸۰ ۳/۰۸۱ ۰/۱۹۷

با توجه به جدا و مستقل بودن دو گروه آزمایش و کنترل، برای مقایسه تفاوت دو گروه از آزمون تی مستقل برای بررسی اختلاف دو گروه در پیش آزمون استفاده شد. جدول ۳ آمار مربوط به این آزمون را در مولفه‌های مختلف مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۳: آمار استنباطی آزمون تی مستقل برای مقایسه دو گروه در پیش آزمون

مولفه‌ها	درجات آزادی	اختلاف میانگین	میزان معناداری
خوب گوش دادن	۱۵۸	-۰/۰۷۸	۰/۴۰۷
صریح و صادق بودن	۱۵۸	۰/۰۵۵	۰/۹۵۸
همدردی و همدلی	۱۵۸	-۰/۰۰۲	۰/۹۷۸
احترام در رابطه	۱۵۸	-۰/۰۵۲	۰/۵۳۵
مخالفت مناسب	۱۵۸	-۰/۰۵۸	۰/۴۰۵
مجموع رفتارهای اجتماعی	۱۵۸	-۰/۰۲۷	۰/۴۶۶

با توجه به مقادیر جدول ۳ می‌توان بیان کرد که دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیش آزمون با وجود تفاوت‌های اندک بین میانگین‌های‌شان در مولفه‌های مختلف، اما از نظر آماری اختلاف معناداری در سطح ۰/۰۵ با یکدیگر نداشته‌اند، چراکه میزان معناداری در تمامی مولفه‌های خوب گوش دادن، صریح و صادق بودن، همدردی و همدلی با طرف مقابل، احترام به طرف مقابل و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب و همچنین متغیر رفتارهای اجتماعی بالاتر از ۰/۰۵ است. این موضوع بدان معنا است که دو گروه در مرحله پیش آزمون همسان بوده‌اند و اختلاف معناداری با یکدیگر نداشته‌اند. این موضوع که دو گروه در مرحله پیش آزمون یکسان بوده‌اند به تنهایی برای بیان و تحلیل نتایج کافی نیست، چراکه باید اطمینان یافت تغییرات گروه آزمایش ناشی از مواردی غیر از اعمال متغیر مستقل (در اینجا آموزش مهارت‌های ارتباطی) نبوده است. برای این منظور گروه کنترل اتخاذ شد. تنها تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در این بود که گروه کنترل متغیر مستقل، یعنی آموزش مهارت‌های ارتباطی را دریافت نکرده بود. در سایر موارد دو گروه شبیه هم بودند و در محیط یکسانی قرار داشتند. بنابراین با بررسی وضعیت گروه کنترل در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون می‌توان اثر شرایط مشابه اعمال شده و موجود که احیاناً می‌توانست سبب تغییری در رفتارهای اجتماعی دو گروه در طول زمان بین مرحله پیش آزمون و پس آزمون شود را درک کرد. از آنجا که در اینجا یک گروه (گروه کنترل) در دو بازه زمانی آزمون شده است برای بررسی تفاوت احتمالی از آزمون تی همبسته استفاده می‌شود. جدول ۴-۵ نتایج این آزمون را در گروه کنترل نشان می‌دهد.



جدول ۴: آمار استنباطی آزمون تی همبسته برای مقایسه گروه کنترل در پیش آزمون و پس آزمون

میزان معناداری	میزان تی	درجات آزادی	مؤلفه‌ها
۰/۱۷۱	۱/۳۸۳	۷۹	خوب گوش دادن
۰/۶۹۵	۰/۳۹۳	۷۹	صریح و صادق بودن
۰/۸۰۲	۰/۲۵۲	۷۹	همدردی و همدلی
۰/۸۴۵	۰/۱۹۵	۷۹	احترام در رابطه
۰/۹۸۳	۰/۰۲۱	۷۹	مخالفت مناسب
۰/۳۵۳	۰/۹۴۳	۷۹	مجموع رفتارهای اجتماعی

با توجه به مقادیر جدول ۴ می‌توان بیان کرد که گروه کنترل در مرحله پس آزمون نسبت به مرحله پیش آزمون تغییر معناداری نداشته است، چراکه از نظر آماری اختلاف معناداری در سطح ۰/۰۵ بین نتایج گروه در این دو مرحله دیده نمی‌شود. این موضوع در تمامی مؤلفه‌های خوب گوش دادن، صریح و صادق بودن، همدردی و همدلی با طرف مقابل، احترام به طرف مقابل و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب و همچنین متغیر رفتارهای اجتماعی صادق است چراکه در تمامی موارد میزان معناداری بالاتر از ۰/۰۵ است. بر این اساس می‌توان گفت که آن بخش از شرایط محیطی که برای دو گروه کنترل و آزمایش یکسان بوده است و تحت کنترل یا خارج از کنترل محقق بوده‌اند، نتوانسته بر خوب گوش دادن، صریح و صادق بودن، همدردی و همدلی با طرف مقابل، احترام به طرف مقابل و مخالفت با مخاطب به شیوه مناسب و همچنین متغیر رفتارهای اجتماعی شرکت کنندگان تأثیری بگذارد. با این شرایط می‌توان با اطمینان بیشتری به سراغ گروه آزمایش رفت و اثر آموزش مهارت‌های ارتباطی را بر رفتارهای اجتماعی دانش آموزان بررسی کرد. فرضیه اصلی تحقیق این بود که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رفتارهای اجتماعی دانش آموزان پسر دوره متوسطه اول منطقه ۲ شیراز تأثیر دارد. از آنجا که در اینجا یک گروه (گروه آزمایش) در دو بازه زمانی پیش و پس آزمون شده است، برای بررسی تفاوت احتمالی از آزمون تی همبسته استفاده می‌شود. جدول ۵ نتایج این آزمون را در بررسی فرضیه تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون تی همبسته برای بررسی فرضیه اصلی

میزان معناداری	میزان تی	اختلاف میانگین	درجات آزادی	مؤلفه/شاخص
۰/۰۰۰	۸/۴۶۲	۰/۸۱۳	۷۹	خوب گوش دادن
۰/۲۴۴	-۱/۱۷۴	۰/۰۷۰	۷۹	صریح و صادق بودن
۰/۰۱۶	۲/۴۶۴	۰/۱۸۶	۷۹	همدردی و همدلی



۰/۰۱۰	۲/۶۴۴	۰/۲۰۷	۷۹	احترام در رابطه
۰/۰۰۰	۳/۶۷۸	۰/۲۵۴	۷۹	مخالفت مناسب
۰/۰۰۰	۸/۴۵۷	۰/۲۷۸	۷۹	رفتارهای اجتماعی

همچنانکه در جدول ۵ قابل مشاهده است اختلاف میانگین مؤلفه عملکرد بین دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون ۰/۲۷۸ است که نشان می‌دهد میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون ارتقاء یافته است. در خصوص وضعت اختلاف میانگین دو مرحله پیش و پس‌آزمون هم نتایج تی همبسته نشان می‌دهد که اختلاف بین دو مرحله یک اختلاف معنادار است (۰/۰۰۰=میزان معناداری). بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول منطقه ۲ شهر شیراز، تایید می‌شود و فرض صفر مبنی بر عدم چنین تاثیری، رد می‌شود. در میان مولفه‌ها هم دیده می‌شود بجز در مولفه صریح و صادق بودن در روابط، اختلاف معنادار سایر مولفه‌ها مورد پذیرش قرار گرفتند که نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های ارتباطی بر چهار مولفه خوب گوش دادن، همدلی و همدردی در روابط، احترام در روابط و بروز مخالفت به شیوه مناسب تاثیر معنادار دارد.

بحث و نتیجه گیری

در خصوص وضعت اختلاف میانگین دو گروه در رفتارهای اجتماعی بین دو مرحله پیش و پس‌آزمون نتایج تی همبسته نشان داد که اختلاف بین دو مرحله یک اختلاف معنادار است. لذا «آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط» بر «رفتارهای اجتماعی» دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول منطقه ۲ شیراز تاثیر معنادار داشته است. تبیین این یافته بر اساس محتوای دوره‌های ارائه شده و تطابق آن با محتوای رفتارهای اجتماعی قابل تبیین است. در این تحقیق محتوای دوره‌های آموزش مشتمل بر پنج مهارت فرعی یا خرده مهارت‌های «درک پیام‌های کلامی و غیر کلامی»، «نظم دهی به هیجان‌ها»، «گوش دادن»، «بینش نسبت به فرایند ارتباط» و «قاطعیت در ارتباط» بود که اساس مهارت‌های ارتباطی را تشکیل می‌دهند. از سویی دیگر در روش‌های تقویت رفتارهای اجتماعی به مواردی از قبیل صریح و صادق بودن، احساسات خود را بیان کردن، شنونده خوبی بودن، شخصیت افراد را در نظر گرفتن، محترم شمردن احساس طرف مقابل و مخالفت نمودن به شیوه مناسب اشاره شد (جینگ، ۲۰۱۰). اگر موارد آموزش داده شده در برنامه مهارت‌های ارتباطی این تحقیق با روش‌های تقویت رفتارهای اجتماعی مقایسه شود، مشاهده می‌شود که در دوره‌های ارائه شده دقیقاً روی مواردی کار شده که در زمینه ارتقاء رفتارهای اجتماعی مفید بوده‌اند و لذا نتایج حاصل از این منظر قابل تبیین هستند. به عنوان مثال در روش گوش کردن ذکر شد که گوش کردن به سخن و کلام دیگری موجب می‌شود تا او در نهایت آرامش خیال، به طور واقع، منویات قلبی و احساسات خود را با ما در میان بگذارد و برایمان احترام قائل شود و آماده شنیدن نظرات ما شود (جینگ، ۲۰۱۰). در مهارت‌های



آموزش داده شده در این تحقیق دو مهارت «درک پیام‌های کلامی و غیر کلامی» و «گوش دادن» وجود داشت که می‌توانند سبب شکل‌گیری نتایج حاصل شده باشند.

از سویی دیگر طبق گفته گودن و کارنز (۲۰۱۳) مهارت‌های ارتباطی از چنان اهمیتی برخوردارند که نارسایی آنها با احساس تنهایی، اضطراب اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی، افسردگی، عزت نفس پایین و عدم موفقیت‌های شغلی و تحصیلی همراه می‌باشد. در واقع مهارت‌های ارتباطی به به فرد کمک می‌کنند عواطف و نیازهای خود را به درستی بیان کند و به اهداف بین فردی دست یابد (گودن و کارنز، ۲۰۱۳). لذا بر نظر گودن و کارنز می‌توان گفت مهارت‌های ارتباطی آموزش داده شده از یک طرف سبب حذف اضطراب و ناسازگاری اجتماعی و از طرف دیگر ارتقاء عزت نفس دانش‌آموزان شده‌اند و از این طریق بر مولفه‌های ذکر شده به صورت معنادار تاثیر داشته‌اند.

همچنین بویل و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند که مهارت‌های ارتباطی بیانگر میزان توانایی و اعتماد به نفس افراد بوده و باعث افزایش میزان احترام و ارزش آن‌ها نزد خودشان و دیگران می‌شوند. مشاهده می‌شود که در اینجا نیز بویل و همکاران داشتن مهارت ارتباطی را سبب احترام به دیگران می‌دانند از این رو می‌توان گفت نتیجه حاصله در خصوص مولفه احترام در روابط از این طریق قابل تبیین است.

اگر از زاویه روابطه اجتماعی که در این تحقیق با آموزش مهارت‌های ارتباطی تاثیر معناداری به نتایج نگریسته شود مشاهده می‌شود که از نگاه می‌پرز و همکاران، (۲۰۱۱) این روابط شامل رفتارهایی از قبیل همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن می‌شوند که اگر افراد موفق به فراگیری این مهارت‌ها نشوند، اغلب با عکس‌العمل‌های منفی از سوی دیگران رو به رو می‌شوند (می‌پرز و همکاران، ۲۰۱۱). مشاهده می‌شود که در بحث رفتارهای اجتماعی هم اعمال و مفاهیمی از قبیل همکاری، مشارکت، کمک، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک، تعریف و تمجید و قدردانی قرار دارند که شباهت نزدیکی با مهارت‌های ارتباطی آموزش داده شده دارند. این شباهت‌ها هم می‌توانند دلیلی احتمالی بر یافته حاضر در این تحقیق باشد. همچنین محققان بسیاری از قبیل واردل (۲۰۱۰) و کاهن و همکاران (۲۰۱۳) اتفاق نظر دارند که رفتارهای اجتماعی آموختنی و اکتسابی هستند و لذا بر آموزش آنها تاکید دارند چراکه این مهارت‌ها از طریق آموزش توسعه و رشد می‌یابند. لذا ضمن تبیین یافته تحقیق حاضر بر اساس نظرات محققان ذکر شده، می‌توان گفت که آموزش ارائه شده در این تحقیق سبب ارتقا رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان در مولفه‌های ذکر شده، گردیده است.

در مقایسه با سایر تحقیقات یافته حاضر با نتایج تحقیق سیمیریان و همکاران (۱۳۹۵) که دریافتند آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی در گروه آزمایش به طور معنی داری مؤثر بوده است، همخوانی و هم‌سوئی دارد. یافته حاضر از سوی نتایج تحقیق بیگدلی و همکاران (۱۳۹۵) نیز تایید می‌شود، چراکه این محققان دریافتند مهارت ارتباطی ضعیف در والدین منجر به پرخاشگری (کلامی و جسمانی)، کاهش راهبردهای استدلال و به طور کلی



تعارض در فرزندان با والدین می‌شود. این همخوانی از آن جهت است که عمده رفتارهای اجتماعی فرزندان از طریق والدین فرا گرفته می‌شود. فریس آبادی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی بین فردی و حل مسئله اجتماعی موجب بهبود سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. از آنجا که رفتارهای اجتماعی همبستگی نزدیکی با سازگاری اجتماعی دارد می‌توان گفت بین نتایج دو تحقیق هم‌سوئی وجود دارد. همچنین عجم (۱۳۹۴) هم در پژوهشی دریافت که مهارت‌های ارتباطی بین فردی و خودکارآمدی دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش نقش دارد. اگر خودکارآمدی را یک وضعیت مطلوب اجتماعی بدانیم این ارتباط بین مهارت‌های ارتباطی بین فردی و خودکارآمدی نشان از همسوئی نتایج دو تحقیق دارد. دهقان و همکاران (۱۳۹۳) نیز مشاهده کردند آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب ارتقاء سطوح نظریه ذهن کودکان شد. از این رو بین نتایج دو تحقیق همخوانی وجود دارد. نقیبی و هاشمی (۱۳۹۲) با هدف تعیین نقش مهارت‌های ارتباطی در توانایی حل مسئله اجتماعی تحقیقی گزارش کردند که مجهز شدن افراد به مهارت‌های ارتباطی، زمینه ساز رفع مسائل اجتماعی است. این یافته با نتایج تحقیق حاضر همخوانی نزدیکی دارد که سبب تایید نتایج حاضر است. همچنین اشرفی و منجزی (۱۳۹۲) در پژوهشی نتیجه گرفتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه در پس‌آزمون و پیگیری موثر بوده است. از آنجا که کاهش پرخاشگری نوعی عملکرد مطلوب اجتماعی است که بیشتر در افرادی با رفتارهای اجتماعی بالا دیده می‌شود، می‌توان گفت بین نتایج دو تحقیق همخوانی محتوایی وجود دارد. احمدی، حاتمی و اسدزاده (۱۳۹۱) نیز در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به دانش‌آموزان و والدین آنها بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی آنان به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب بهبود روابط و سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد. این نتیجه نشان دهنده همخوانی و همسوئی نتایج دو تحقیق و اعتبار یافته حاضر است. مستقیمی و شفیع (۱۳۹۱) هم در بررسی «اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر عزت نفس دختران» به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های ارتباطی روش موثری در افزایش عزت نفس و ارتقاء رفتارهای اجتماعی است. مشاهده می‌شود که نتایج در بخش رفتارهای اجتماعی همخوانی نزدیکی دارند. مرکز میستون و ماتیوز (۲۰۱۷) در یک مطالعه روی دانشجویان دریافتند که هر دو روش ارتباط مکتوب و شفاهی برای اجتماع و دانشجویان تاثیرگذار و موثر است. این یافته نشان از نقش مهارت‌های ارتباطی در اجتماعی شدن دانشجویان دارد که با نتایج حاضر همخوانی دارد. همچنین لوییز آدرین و زسروتارسکی (۲۰۱۵) مشاهده کردند که بهبود مهارت‌های ارتباطی شفاهی و کتبی می‌تواند به بهبود کار تیمی حرفه‌ای بین داروسازان و سایر ارائه دهندگان خدمات درمانی کمک کند. بنابراین بین نتایج این محققان با نتایج حاضر همخوانی وجود دارد. اروزکان (۲۰۱۳) هم در بررسی روابط بین مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مشکل و خودکارآمدی اجتماعی دریافتند که مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مشکل بین فردی به طور قابل توجهی با خودکارآمدی اجتماعی ارتباط دارند. از آنجا که خودکارآمدی اجتماعی بخشی از رفتارهای اجتماعی است نتایج دو تحقیق همخوانی دارند. مورای و مالمرگین (۲۰۱۰) در بررسی اثر آموزش رابطه معلم -



دانش آموز بر سازگاری اجتماعی، عاطفی و آموزشی دانش آموزان دریافتند که در اثر آموزش مهارت ارتباطی، دانش آموزان گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل، سازگاری آموزشی، عاطفی و اجتماعی بالاتر نشان دادند. لذا نتایج دو تحقیق همسویی دارند. همچنین میشل مک کارتر (۲۰۱۰) در تحقیقی در خصوص تأثیر مهارت‌های ارتباطی انجام داد، تأثیر مثبت آموزش‌ها را در بهبود سلامت روان دانش آموزان را تایید نمود. از آنجا که سلامت روان از نشانه‌های رفتارهای اجتماعی سالم است نتایج دو تحقیق همخوانی محتوایی دارند. در نهایت گرکو و موریس (۲۰۰۹) در پژوهشی دریافتند که بین سازگاری اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی رابطه وجود دارد. لذا نتایج دو تحقیق همخوان است.

منابع

- ۱- احمدی، محمدسعید؛ حاتمی، حمیدرضا و اسدزاده، حسن (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به دانش آموزان والدین آنها بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی آنان در شهر زنجان. نشریه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، دوره ۲ شماره ۵.
- ۲- اشرفی، مهناز و منجزی، فرزانه (۱۳۹۲). اثربخشی مهارت‌های ارتباطی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر دوره متوسطه. نشریه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. دوره ۳، شماره ۱.
- ۳- بیگدلی ایمان الله، صفری هادی و محمدی علی جعفر (۱۳۹۵). اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانیشینی بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهریار. نشریه روان شناسی بالینی، شماره ۷.
- ۴- دهقان، فاطمه؛ یزدانبخش، کامران و مومنی، خدامراد. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر ارتقاء سطوح نظریه ذهن کودکان. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۳، ۸۳-۹۶.
- ۵- سیمیریان کوثر، سیمیریان قاسم و تدریس تبریزی معصومه (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی دانش آموزان دختر رشته ریاضی فیزیک پایه سوم دبیرستان های شهر تهران. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی*.
- ۶- عجم علی اکبر (۱۳۹۴). بررسی نقش خودکارآمدی تحصیلی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی بر دیدگاه دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی. *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۷(۱)، ۱۲-۳.
- ۷- فریس آبادی، لیلیا؛ خسروی، معصومه صباحی، پرویز (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بینفردی و حل مسئله اجتماعی بر بهبود رفتار سازگاران و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر باکم توانی ذهنی. *روانشناسی افراد استثنایی*، ۵(۱۸)، ۱۰۲-۱۲۱.
- ۸- مستقیمی مریم، شفیع آبادی عبدالله (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر عزت نفس دختران ۱۳ تا ۱۵ ساله بهزیستی. *روشها و مدل‌های روان شناختی پاییز ۱۳۹۱*؛ ۲(۹): ۳۰-۱۷.



۹- نقیسی، راضیه و هاشمی، تورج (۱۳۹۲). نقش مهارت های ارتباطی در توانایی حل مسأله اجتماعی. ششمین کنگره بین المللی روانشناسی کودک. تبریز.

۱۰- Akeredolu-Ale, B., Sotiloye, B., Bodunde, H., & Aduradola, R. (۲۰۱۴). Impact of the Digital Age on the Teaching and Learning of English and Communication Skills (Ecs): Exploratory Observations from a Nigerian University. In *Conference proceedings. ICT for language learning* (p. ۲۳۰). Libreriauniversitaria. it Edizioni.

۱۱- Blaauw, B. A., Dyb, G., Hagen, K., Holmen, T. L., Linde, M., Wentzel-Larsen, T., & Zwart, J. A. (۲۰۱۴). Anxiety, depression and behavioral problems among adolescents with recurrent headache: the Young-HUNT study. *The journal of headache and pain*, ۱۵(۱), ۳۸.

۱۲- Boyle, D. M., Mahoney, D. P., Carpenter, B. W., & Grambo, R. J. (۲۰۱۴). The Importance of Communication Skills at Different Career Levels. *The CPA Journal*, ۸۴(۸), ۴۰.

۱۳- Dustmann, C., Frattini, T., & Lanzara, G. (۲۰۱۲). Educational achievement of second-generation immigrants: an international comparison. *Economic Policy*, 27(69), ۱۴۳-۱۸۵.

۱۴- Erozkhan, A. (۲۰۱۳). The Effect of Communication Skills and Interpersonal Problem Solving Skills on Social Self-Efficacy. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(۲), ۷۳۹-۷۴۵.

۱۵- Gillis, A. E., Morris, M. C., & Ridgway, P. F. (۲۰۱۵). Communication skills assessment in the final postgraduate years to established practice: a systematic review. *Postgraduate medical journal*, 91(1071), 13-21.

۱۶- Girli, A. (۲۰۱۳). An Examination Of The Relationships Between The Social Skill Levels, Self-Concepts And Aggressive Behavior Of Students With Special Needs In The Process Of Inclusion Education. *Çukurova University. Faculty of Education Journal*, ۴۲(۱), ۲۳.

۱۷- Gooden, C., & Kearns, J. (۲۰۱۳). The importance of communication skills in young children. *Human Development Institute Research Brief*, ۱-۴.

۱۸- Jing, W. (۲۰۱۰). Strengthening Corporate Social Responsibility and Construction Harmonious Labor Relations [J]. *Modern Finance and Economics-Journal of Tianjin University of Finance and Economics*, 12, ۰۰۲.

۱۹- Kahn, P. H., Gary, H. E., & Shen, S. (۲۰۱۳). Children's Social Relationships with Current and Near-Future Robots. *Child Development Perspectives*, 7(۱), ۳۲-۳۷.

۲۰- Luiz Adrian, J. A., Zeszotarski, P., & Ma, C. (۲۰۱۵). Developing pharmacy student communication skills through role-playing and active learning. *American journal of pharmaceutical education*, 79(۳), ۴۴.

۲۱- Mercer-Mapstone, L. D., & Matthews, K. E. (۲۰۱۷). Student perceptions of communication skills in undergraduate science at an Australian research-intensive university. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 42(۱), ۹۸-۱۱۴.



- Meyers, C., Irlbeck, E., Graybill-Leonard, M., & Doerfert, D. (۲۰۱۱). Advocacy -۲۲
in agricultural social movements: Exploring Facebook as a public relations
communication tool. *Journal of Applied Communications*, 95(۳), ۶۸-۸۲.
- Wardle, G. (۲۰۱۰). Children's soCial relationships. Contemporary Issues in -۲۳
Learning and Teaching, ۱۰۲.
- Winter, S. D. (۲۰۱۳). What matters? The role of cognitive competence and -۲۴
affective beliefs in educational achievement during adolescence.